

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ جون ۲۰۲۲

حریق در جنگلات نورستان!



سه شنبه- ۱۰ جوزای ۱۴۰۱- کابل: احتمالاً شما هم خبر ویرانگر حریق و آتش سوزی در جنگلات نورستان، که از ۹ روز بدین سو همه چیز را نابود می نماید شنیده باشید، مگر به یقین همان طوری که من نتوانستم چیزی راجع به علت این آتش سوزی مهیب و تلاش جهت مهار آن بیابم، شما نیز قادر نشده باشید معلومات دقیق در زمینه به دست بیاورید از همین رو با استفاده از فرصت، به دیدار یکی از دوستان پدرم که سالهای متوالی در نورستان زیسته، به گفته خودش ۴۳ قبل وقتی مبارزه علیه خلق و پرچم و به تعقیب آن اشغالگران روسی آغاز و اوج گرفت، در کنار مردم شجاع آن دیار تحت قومنده "انور امین" دینش را نسبت به وطنش ادا نموده، رفته، از وی در زمینه معلومات خواستم. آنچه در ذیل خدمت تان تقدیم می گردد، قسمتی از آن فشرده توضیحات جامع آن رزمنده شجاع است که به مانند میلیونها هموطن دیگر، حاضر بودند برای وطن بمیرند، مگر امروز کسی به یاد آنها نیست:

» ۱- در اینجا نمی خواهم به نقش و اهمیت حیاتی جنگل و جنگلداری در کل و به خصوص در ولایت های نورستان، کنر و پکتیا بپردازم، فقط همینقدر تذکار می دهم، به همان سان که در یک مدنیت دریاچه ئی، فرآورده های بحری

ضامن بقای آن مدنیت است، در منطقه ای مانند نورستان و بقیه مناطق جنگلی، هر اصله درخت و هر شاخ آن برای بقای همان مدنیت و حتا کره زمین همان اهمیت را دارند.

تا جائی که تجارب زندگانی خودم در نورستان به من آموخته، جنگلات آن دیار کلاً طبیعی و بدون آن که انسان ماحول آن و یا حاکمیت ها در رشد و پرورش آن نقش داشته باشند، خود بر مبنای میزان بارندگی در سال که گاهی حتا بیشتر از ۷۰۰ ملی میتر می شود، رشد و نمو نموده اند.

برخورد باشندگان محل علی رغم فقر و ناداری و نداشتن زمین کافی برای کشت و زراعت با جنگلات، هر چند از لحاظ علمی و دورنگرانه، زیاد دوستانه نیست مگر به هیچ وجه دشمنانه نیز نمی باشد. مردم به اندازه نیاز چه جهت رفع مایحتاج خودشان و چه هم جهت کسب مقداری پول درختان عمدتاً کهنه و حتا خشک آن را قطع می نمایند. بنا به گفته پیرمردان ۳۰ - ۴۰ سال قبل، گویا در آخرین سالهای حاکمیت "داوود خان" ریاست جنگلات وزارت زراعت، با اعزام هیأت هائی از متخصصان داخلی و خارجی که اغلباً المانی بودند، گامهائی در جهت حفظ جنگلات و قطع قانونمند و عالمانه درختان آنجا برداشت که تا حدی از قطع بی رویه و نابود کننده درختان به وسیله مردم می توانست تاحدی جلوگیری نماید. امری که خوشبختانه برای مدت زمانی به مثابه یک فرهنگ حفاظت از جنگلات در حال نضج گیری و تکوین بود.

با آغاز نخستین درگیری ها بین باند های مزدور خلق و پرچم و مردم نورستان، از آنجائی که قسمتی از مردم به علت فشار جنگ ناگزیر به ترک وطن شدند و مسایل مبرم تری برای شان مطرح شد، واقعینانه بگوئیم مسأله حفظ جنگلات تقریباً از بحث همگانی و روزمره مردم بیرون شد. این نکته منفی هرچند سیر و روند حفاظت از جنگلات را به عقب راند، مگر به علت فرار مردم از منطقه و کاهش قابل ملاحظه نفوس از آنجا، میزان تخریبات نیز کاهش یافت.

۲- با ختم تجاوز روسیه و سقوط حاکمیت نوکران آن و برگشت باشندگان نورستان به محل، از آنجائی که در جریان ۱۴ سال درگیری، نیروهای ارتجاعی از پنج پیره و سلفی گرفته تا وهابی ها و سایر انواع و اقسام نیروهای تاریخزده مذهبی در حاکمیت بعد از اشغال روسها دست بالا یافتند و قادر شدند، نیروهای ملی، مترقی و روشنبین جامعه را قلع و قمع و یا وادار به فرار از منطقه نمایند، در نتیجه فرهنگ سود محوری که از جانب پاکستان در جریان ۱۴ سال مهاجرت، در درون نهاد های مزدورش ریشه دوانده بود، باعث شد که برخورد با جنگلات، به مانند برخورد با نیروهای ملی و انقلابی کاملاً خصمانه شده، قطع بی رویه درختان و نابودی جنگلات به کار روزمره زورمندان تازه به قدرت رسیده مبدل گردید.

این روند با اشغال مجدد کشور به وسیله امپریالیسم امریکا و شرکاء و تقدس یابی فرهنگ سود محور امپریالیستی، ابعاد گسترده تری گرفته، در جریان ۲۰ سال، همان زورمندان محلی تا توانستند در حق این سرمایه ملی و ضامن بقای نسل های آینده، جفاکارانه برخورد نمودند.

۳- و اما بر گردیم به حریق و یا آتش سوزی کنونی. هرگاه از آتش سوزی های طبیعی که گاهگاهی در اثر صاعقه و رعد و برق اتفاق می افتد، مگر چون در فصل بارندگی ها صورت می گیرد خیلی زود توسط خود طبیعت مهار شده، بارندگی های شدید جلوگیری آنها را گرفته خاموش می سازد، بگذریم، تا جائی که تجارب و چشم دیدهای خود گواهی می دهد، آتش سوزی ها در کل چند دلیل دارند:

*- زورمندان محلی جدید و جنگسالاران تازه به قدرت رسیده در آن منطقه، چون زمینی برای غصب و مصادره و به تملک شخصی خود در آوردن نمی یابند، بسیار آگاهانه و عامدانه، بخش هائی از جنگلات را در چنان وقت سال آتش می زنند که فصل بارانی نباشد. آنها بدین وسیله و با نابود ساختن جنگلات که می شود گفت یا بخشی از مالکیت دولت به

شمار می روند و یا هم به مثابه ملکیت جمعی و اشتراکی تمام باشندگان شناخته می شوند، زمین فاقد جنگل برای تصاحب خود به وجود می آورند؛

*- تاجران دلال چوب و ذغال در همکاری تنگاتنگ با جنگسالاران و زومندان تازه به دوران رسیده، باز هم عامدانه در فصلی که بارانها نباشد بخشهایی از جنگلات را آتش زده، و با در نظر داشت افزایش قیمت مواد سوختی، من جمله ذغال، برای تأمین منافع شخصی شان، سرمایه های ملی و طبیعت را نابود می نمایند.

*- تا جایی که دوستان می گویند، دولت پاکستان نیز جهت مقابله با "تحریک طالبان پاکستان" که از پوشش جنگلی منطقه سود جسته، گاهگاهی مزاحمت هائی برای دولت پاکستان به وجود می آورند، نیز می تواند در عقب چنین آتش سوزی هائی قرار داشته باشد. یعنی دولت پاکستان برای ضربت زدن به نوکران متمدنش که اینک دعوی رقابت با آن دولت را دارند، جنگلات آن منطقه از کشور ما را آتش می زند تا از یک سو مردم را وادار به فاصله گرفتن از آنها بسازد و از جانب دیگر، با برهنه ساختن منطقه از پوشش های جنگلی، آسانتر بتواند مخالفانش را سرکوب نماید.»
هموطنان گرامی!

آنچه در سطور فوق از نظرتان گذشت، فشرده بحثی بود که آن دوست سالهای دور پدرم با اشتیاق و مسؤولانه می گفت. و اما این که آتش سوزی و یا حریق کنونی چرا به وجود آمده و آیا در عقب آن باز هم دست غارتگرانه جنگسالاران و زامداران کنونی است و یا طبیعت، به اساس گفته آن بزرگوار، مطمئناً در ایجاد آتش سوزی پای رعد و برق و صاعقه و قهر طبیعت اصلاً وجود ندارد زیرا در آسمان صاف و بی ابر و در زمانی که فصل بارندگی ها نیست، نمی تواند طبیعت چنین ظلمی را در حق خود و باشندگان محل نموده باشد، پس هر چه هست یکی و یا مجموعه عوامل بالا باعث این مصیبت بزرگ شده است.

اینهم روشن است که حاکمیت نظام ملاسالار که هنوز هم نماز استسقاء و زلزله و خسوف و کسوف بخشی از پایه های اعتقادی آن را می سازد، حتا اگر خودش و جنگسالارانش در خلق چنین مصیبتی دخیل هم نباشند، آن را کار خدا دانسته و با یک جمله "با خواست خدا نمی شود مقابله کرد" نمی خواهند در مورد هیچ گونه مسؤولیتی را متقبل بگردند.
هموطنان گرامی!

بیانید از این واقعیت حرکت نمائیم که این وطن مال ماست نه از طالب و جنگ سالارانش. بیانید همه دست به دست هم داده نه تنها از وجب و جب خاک و از هر شاخ درختش حفاظت نمائیم بلکه در چنین مواقعی هر چه توان داریم جهت خاموش ساختن آتش و جلوگیری از نابودی طبیعت کشور، از ایثار آن دریغ نوزیم. بیانید اطفای آتش را به طالب و نظام ملاسالار نگذاریم و خود به همکاری همدیگر راه مبارزه با آن را جست و جود نمائیم. این را هم بدانیم که چنین حوادثی حتا اگر قهر طبیعت هم باشند، با چنان قهری، فقط زمانی می توان مبارزه نمود که انسانها متحدانه، نخست موانع انسانی دم راه مبارزه را از میان بردارند، یعنی با از میان برداشتن طالب و نظام ملاسالار، راه مبارزه جهت بی اثر ساختن قهر طبیعت را می باید هموار نمود.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!